

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۹۵

آیه ۱۲۳-۱۲۷

آیه و ترجمه

و لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذلة فاتقوا الله لعلکم تشکرون ۱۲۳
 اذ تقول للمؤمنین ا لن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلثة اءلف من
 الملائكة منزلین ۱۲۴
 بلی ان تصبروا و تتقوا و یاءتوکم من فورهم هذا یمدکم ربکم بخمسة اءلف من
 الملائكة مسومین ۱۲۵
 و ما جعله الله اءلا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به و ما النصر اءلا من عند
 الله العزیز الحکیم ۱۲۶
 ليقطع طرفا من الذین کفروا و یکتبتم فینقلبوا خائبین ۱۲۷
 ترجمه :

۱۲۳ - خداوند شما را در بدر یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک پیروز شدید) در
 حالی که شما (نسبت به آنها) ناتوان بودید پس از خدا بپرهیزید (و در برابر
 دشمن مخالفت فرمان پیامبر نکنید) تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید.
 ۱۲۴ - در آن هنگام که تو، به مؤمنان میگفتی آیا کافی نیست پروردگارتان شما
 را به - سه هزار نفر از فرشتگان که (از آسمان) فرود آیند یاری کند؟!
 ۱۲۵ - آری (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید - و دشمن به
 همین زودی به سراغ شما بیاید - خداوند شما را به پنجهزار نفر از فرشتگان
 که نشانه‌های مخصوصی دارند مدد خواهد داد.
 ۱۲۶ - ولی اینها (همه) فقط برای بشارت و اطمینان خاطر شماست و گر
 نه پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۹۶

۱۲۷ - (این وعده را که خدا به شما داده) برای این است که قسمتی از
 پیکر لشکر کافران را قطع کند، یا آنها را با زور ذلت باز گرداند، تا مایوس و نا
 امید (به وطن خود باز گردند)

تفسیر :

مرحله خطرناک جنگ

پس از پایان جنگ احد لشکر پیروز مشرکان به سرعت بسوی مکه بازگشت. ولی در اثنای راه این فکر برای آنها پیدا شد که چرا پیروزی خود را ناقص گذاردند؟ چه بهتر که به مدینه بازگردند و شهر را غارت کنند، و مسلمانان را در هم بکوبند، و اگر محمد صلی الله علیه و آله هم زنده باشد بقتل برسانند، و برای همیشه فکر آنها از ناحیه اسلام و مسلمین راحت شود، به همین جهت فرمان بازگشت صادر شد و در حقیقت این خطرناکترین مرحله جنگ احد بود، زیرا مسلمانان بقدر کافی کشته و زخمی داده بودند، و طبعاً هیچگونه آمادگی در آن حال برای تجدید جنگ در آنها نبود، و بعکس دشمن با روحیه نیرومندی میتواندست این بار جنگ را از سر گیرد و نتیجه نهائی آنرا پیشبینی کند.

این خبر بزودی به پیامبر رسید و اگر شهادت فوق العاده و ابتکار بینظیر او که از وحی آسمانی مایه می‌گرفت نبود شاید تاریخ اسلام در همانجا پایان مییافت.

آیات فوق درباره این مرحله حساس نازل گردیده است، و بتقویت روحیه مسلمانان پرداخته، و به دنبال آن یک فرمان عمومی از ناحیه پیامبر برای حرکت به سوی مشرکان داده شد، و حتی مجروحان جنگ (و در میان آنها علی (علیه السلام) را که بیش از شصت زخم بر تن داشت) آماده پیکار بادشمن شدند و از مدینه حرکت کردند.

این خبر بگوش سران قریش رسید و از این روحیه عجیب مسلمانان سخت بوحشت افتادند! آنها فکر می کردند شاید جمعیت تازه نفسی از مدینه به

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۹۷

مسلمانان پیوسته‌اند، و ممکن است برخورد جدید نهائی جنگ را بزیان آنها تغییر دهد، لذا فکر کردند برای حفظ پیروزی خود بهتر این است که به مکه باز گردند همین کار انجام شد و بسرعت راه مکه را پیش گرفتند.

گفتم این آیات در حقیقت برای تقویت روحیه، شکست خورده مسلمانان نازل گردید، و نخست در آن اشاره به پیروزی چشمگیر مسلمانان در میدان بدر شده تا با یادآوری آن خاطره، به آینده خویش دلگرم شوند و لذا می‌فرماید: خداوند شما را در بدر پیروزی داد در حالیکه نسبت به دشمن ضعیف، و از نظر عده و تجهیزات قابل مقایسه با آنها نبودید (عدد شما ۳۱۳ نفر با تجهیزات کم،

و مشرکان بیش از هزار نفر و با تجهیزات فراوان بودند). و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذلة

حال که چنین است، از خدا بپرهیزید، و از تکرار مخالفت فرمان پیشوای خود، یعنی پیامبر اجتناب کنید تا شکر نعمتهای گوناگون او را بجای آورده باشید. (فاتقوا الله لعلکم تشکرون)

سپس خاطره یاری مسلمانان را در میدان بدر بوسیله فرشتگان یادآوری کرده و می گوید: فراموش نکنید که در آن روز پیغمبر به شما گفت آیا کافی نیست که سه هزار نفر از فرشتگان به یاری شما بشتابند. اذ تقول للمؤمنین ان یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلاثة آلاف من الملائكة...

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۹۸

آری امروز هم اگر استقامت بخرج دهید و به استقبال سپاه قریش بشتابید، و تقوی را پیشه کنید، و مانند روز گذشته، با فرمان پیغمبر مخالفت ننمائید، اگر در این حال مشرکان به سرعت بسوی شما برگردند، خداوند بوسیله پنج هزار نفر از فرشتگان که همگی دارای نشانه های مخصوصی هستند شما رایاری خواهد کرد. بلی ان تصبروا و تتقوا و یاتوکم من فورهم هذا یمدکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین.

اما توجه داشته باشید که آمدن فرشتگان به یاری شما، تنها برای تشویق و بشارت و اطمینان خاطر و تقویت روحیه شما است، و گر نه پیروزی تنها از ناحیه خداوندی است که بر همه چیز قادر و در همه کار حکیم است هم راه پیروزی را می داند و هم قدرت بر اجرای آن دارد. و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به و ما النصر الا من عند الله...

گر چه مفسران در تفسیر این آیه گفته های گوناگونی دارند، ولی با مسیری که ما در تفسیر آیات گذشته بکمک خود آیات و تواریخ موجود پیمودیم، تفسیر این آیه نیز روشن است، خداوند می فرماید: اینکه به شما وعده داده شده است که فرشتگان را در برخورد جدید با دشمن بیاری شما بفرستد، برای این است که قسمتی از پیکر لشکر مشرکان را قطع کند، و آنها را با ذلت و رسوائی باز گرداند. لیقطع طرفا من الذین کفروا او یکبتهم فینقلبوا خائبین:

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۹۹

باید توجه داشت که طرف در آیه به معنی قطعه و یکبتهم از ماده کبت به معنی بازگرداندن به زور و توام با ذلت است. در اینجا سؤالاتی در زمینه چگونگی یاری فرشتگان و حمایت آنها از مسلمانان و چگونگی این یاری پیش می آید، که بخواست خداوند پاسخ مشروح آن را در سوره انفال ذیل آیات ۷ - تا ۱۲ خواهیم داد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۰

آیه ۱۲۸

آیه و ترجمه

۱۲۸ لیس لك من الامر شیء او یتوب علیهم ءو یعذبهم فانهم ظالمون
ترجمه :

۱۲۸ - هیچ گونه اختیاری (درباره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ)، برای تو نیست مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند، زیرا آنها ستمگرند.

تفسیر

در تفسیر این آیه در میان مفسران سخن بسیار زیاد است ولی این موضوع تقریباً مسلم است که آیه فوق پس از جنگ احد نازل شده، و مربوط به -حوادث آن است، آیات سابق نیز این حقیقت را تأیید می کند.

آیه می فرماید: «هیچ گونه اختیاری (درباره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ)، برای تو نیست مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند، زیرا آنها ستمگرند». (لیس لك من الامر شیء او یتوب علیهم ءو یعذبهم فانهم ظالمون)

و اما در مورد تفسیر آیه دو معنی بیش از همه جلب توجه می کند: نخست اینکه این آیه جمله مستقلی را تشکیل می دهد و بنابراین جمله «او یتوب علیهم» به معنی «الا ان یتوب علیهم» است و معنی آیه روی هم رفته چنین می شود: درباره سرنوشت آنها کاری از دست تو ساخته نیست مگر اینکه خدا بخواهد آنها را ببخشد یا بخاطر ستمی که کرده اند مجازاتشان کند و منظور از آنها یا کفاری می باشند که در این جنگ ضربه های سخت به مسلمانان وارد ساختند و حتی دندان و پیشانی پیغمبر صلی الله علیه و آله را شکستند، و یا مسلمانانی می باشند که از میدان جنگ فرار کردند، و پس از پایان جنگ پشیمان شدند و از پیغمبر تقاضای عفو کردند، آیه می گوید: «عفو

بخشش یا مجازات و عذاب آنها به دست خدا است و پیامبر هم

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۱

بدون اذن پروردگار کاری انجام نمی دهد.»

تفسیر دیگر اینکه لیس لك من الامر شیء جمله معترضه است و جمله «او یتوب علیهم» عطف به جمله «او یکبتهم» می باشد، و این آیه دنباله آیه قبل محسوب می شود، و در این صورت مجموع معنی دو آیه چنین خواهد بود: «خداوند وسائل پیروزی را در اختیار شما قرار خواهد داد، و یکی از چهار سرنوشت را برای کافران مقرر می سازد: یا قسمتی از پیکر لشکر مشرکان را از بسین می برد، یا آنها را به این وسیله مجبور به بازگشت می کند، و یا آنها را در صورت شایستگی و توبه می بخشد، و یا آنها را بخاطر ظلمشان مجازات می کند، و خلاصه با هر دستهای از آنها بر طبق حکمت و عدالت رفتار خواهد نمود، و تو درباره آنها پیش خود هیچ گونه تصمیمی نمی توانی بگیری.»

درباره علت نزول این آیه نیز روایات متعددی نقل شده است از جمله پس از آنکه دندان و پیشانی پیامبر در جنگ احد شکست، و آنهمه ضربات سخت بر پیکر مسلمین وارد شد، پیامبر از آینده مشرکان نگران گردید و پیش خود فکر می کرد چگونه این جمعیت قابل هدایت خواهند بود و فرمود: «کیف یفلح قوم فعلوا هذا بنسبهم و هو یدعوهم الی ربهم، چگونه چنین جمعیتی رستگار خواهند شد که با پیامبر خود چنین رفتار می کنند در حالی که وی آنها را به سوی خدا دعوت می کند.»

در اینجا آیه فوق نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دلداری داد که تومسؤول هدایت آنها نیستی بلکه تنها موظف به تبلیغ آنها می باشی.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۲

رفع اشتباه در اینجا لازم است به دو نکته توجه شود:

۱ - مفسر معروف نویسنده «المنار» معتقد است که این آیه درس بزرگی در زمینه استفاده از وسایل طبیعی برای پیروزی، به مسلمانان، می آموزد، و آن اینکه اگر خدا به آنها وعده پیروزی می دهد به این معنی نیست که مسلمانان وسائل طبیعی و تجهیزات نظامی و نقشه های جنگی و مانند آن را فراموش کنند و دست روی هم گذاشته همیشه در انتظار دعای پیغمبر برای پیروزی باشند، لذا به پیغمبر صلی الله علیه و آله خطاب کرده

می‌گوید: «لیس لك من الامر شیء» یعنی پیروزی به دست تو واگذار نشده، بلکه به فرمان خدا است، و خداوند برای آن سنی قرار داده است که باید از آنها استفاده کرد، (و دعا کردن پیغمبر اگر چه مؤثر و مفید است، ولی جنبه استثنائی دارد و مخصوص موارد معینی است).

گفتار این نویسنده در این قسمت اگر چه منطقی است، ولی با ذیل آیه که از توبه یا مجازات کفار بحث می‌کند به هیچ وجه سازگار نیست، و بنابراین نمی‌توان آن را تفسیر آیه دانست.

۲- این آیه که هر گونه اختیاری را از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره عفو و بخشش یا مجازات مخالفان سلب می‌کند هیچ گونه منافاتی با مؤثر بودن دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و عفو و گذشت او، و شفاعت و مانند آن که از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود، ندارد، زیرا منظور از آیه فوق این است که پیغمبر صلی الله علیه و آله مستقلاً هیچ کاری را نمی‌تواند انجام دهد، ولی به فرمان خدا و به اجازه او، می‌تواند ببخشد، و هم در جای خود مجازات کند، و هم عوامل پیروزی را فراهم سازد، و حتی به اجازه پروردگار و اذن او می‌تواند هم چون مسیح (علیه السلام) مردگان را زنده کند.

کسانی که جمله «لیس لك من الامر شیء» را گرفته، و خواسته‌اند توانائی پیامبر را بر این امر انکار کنند، در حقیقت آیات دیگر قرآن را فراموش کرده‌اند.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۳

قرآن مجید در سوره نساء آیه ۶۴ می‌گوید: «و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جائوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً، اگر آنها هنگامی که به خود ستم می‌کردند به سراغ تو می‌آمدند و استغفار می‌کردند و پیامبر نیز برای آنها از خدا طلب آمرزش می‌کرد خدا را توبه‌کننده (بخشنده) و مهربان می‌یافتند.»

طبق این آیه استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از عوامل بخشش گناه‌شمرد شده، و در بحثهای آینده در ذیل آیات مناسب باز هم در این زمینه توضیح خواهیم داد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۴

آیه و ترجمه

۱۲۹ و لله ما فی السموت و ما فی الارض یغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء و الله غفور رحیم

ترجمه :

۱۲۹ - و آنچه در آسمانها و زمین است از آن خدا است، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و هر کس را بخواهد، مجازات می کند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

تفسیر

این آیه در حقیقت تاء کیدی است برای آیه قبل، و می گوید: «آمرزش و مجازات به دست پیامبر نیست، بلکه به فرمان خداوندی است که حکومت آنچه در آسمانها و زمین است، به دست او است، آفرینش از او است، مالکیت، و تدبیر آنها نیز از آن او است.» (و لله ما فی السموت و ما فی الارض یغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء و الله غفور رحیم) بنابراین، او است که می تواند گناهکاران را هر گاه صلاح ببیند ببخشد، و یا مجازات کند.

در پایان آیه به رحمت و اسعه خداوند اشاره کرده، می گوید: در عین حال که مجازات او شدید است «او آمرزنده و مهربان است» و رحمت او بر غضب او پیشی می گیرد. (و الله غفور رحیم)

بد نیست در اینجا به گفتار یکی از دانشمندان اسلامی که در عین فشرده بودن پاسخی است برای بعضی از سؤالات، اشاره کنیم. مفسر عالیقدر، طبرسی در ذیل آیه نقل می کند که از یکی از دانشمندان پرسیدند: خداوند با آن رحمت و اسعه و بی پایانش چگونه بندگان را بخاطر گناهان مجازات می کند؟

او در پاسخ گفت: «رحمت» خداوند، «حکمت» او را از بین نمی برد، زیرا رحمت او هم چون حس ترحم ما از احساسات و رقت قلب سرچشمه نمی گیرد،

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۵

بلکه رحمت او همیشه آمیخته با حکمت است، و حکمت ایجاب می کند، که گناهکاران (جز در موارد خاصی) به مجازات برسند.

آیه ۱۳۰-۱۳۲

آیه و ترجمه

۱۳۰ یا ایها الذین آمنوا لا تاءكلوا الربوا اضعفا مضعفة و اتقوا الله لعلکم تفلحون

۱۳۱ و اتقوا النار التي اعدت للكافرين

۱۳۲ و اطيعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون

ترجمه :

۱۳۰ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از

خدا بپرهیزید تا رستگار شوید!

۱۳۱ - و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است!

۱۳۲ - و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید!

تفسیر :

تحریم رباخواری

آیات گذشته - چنانکه دانستیم - درباره غزوه احد و حوادث مربوط به آن، و درسهای گوناگونی است که مسلمانان از آن حادثه فرا گرفتند، ولی این سه آیه و شش آیه بعد از آن محتوی یک سلسله برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و تربیتی است.

در نخستین آیه روی سخن را به مؤمنان کرده و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید». (یا ایها الذین آمنوا لا تاءكلوا الربوا اضعفا مضافة).

می‌دانیم روش قرآن در مبارزه با انحرافات ریشه دار اجتماعی این است که تدریجا زمینه‌سازی می‌کند، و افکار عموم را تدریجا به مفاسد آنها آشنایی سازد، و آنگاه که آمادگی برای پذیرفتن تحریم نهائی حاصل شد قانون رابه صورت صریح

اعلام می‌کند (مخصوصا در مواردی که آلودگی به گناه زیاد و وسیع باشد). و نیز می‌دانیم: عرب، در زمان جاهلیت آلودگی شدیدی به رباخواری داشت و مخصوصا محیط مکه محیط رباخواران بود، و سرچشمه بسیاری از بدبختیهای اجتماعی آنها نیز همین کار زشت و ظالمانه بود، به همین دلیل قرآن برای

ریشه کن ساختن رباخواری حکم تحریم را در چهار مرحله بیان کرده است:
۱ - در آیه ۳۹ سوره روم نخست درباره (ربا) به یک پند اخلاقی قناعت شده آنجا که می‌فرماید: «و ما آتیتم من ربا لیربو فی اموال الناس فلا یربوعند الله و ما آتیتم من زکوة تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون، آنچه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است و) کسانی که چنین کنند دارای پاداش مضاعفند».

و بدین طریق اعلام می‌کند که تنها از دیدگاه افراد کوتاه بین است که ثروت رباخواران از راه سود گرفتن افزایش می‌یابد، اما در پیشگاه خدا چیزی بر آنها افزوده نمی‌شود بلکه زکات و انفاق در راه خدا است که ثروتها را افزایش می‌دهد.

۲ - در سوره نساء آیه ۱۶۱ ضمن انتقاد از عادات و رسوم غلط یهود به عادت زشت رباخواری آنها اشاره کرده و می‌فرماید: «و اخذهم الربا و قدنہوا عنه، یکی دیگر از عادات بد آنها این بود که ربا می‌خوردند با اینکه از آن نهی شده بودند».

۳ - در سوره بقره آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ هر گونه رباخواری به شدت ممنوع اعلام شده و در حکم جنگ با خدا ذکر گردیده است.

۴ - و بالاخره در آیه مورد بحث چنانکه ضمن تفسیر آن خواهیم گفت، حکم تحریم ربا صریحا ذکر شده، اما تنها به یک نوع از انواع ربا و نوع شدید و فاحش آن اشاره شده است.
در این آیه اشاره به تحریم ربای فاحش شده و با تعبیر «اضعافا مضاعفة»

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۸

بیان گردیده است. منظور از ربای فاحش این است که سرمایه به شکل تصاعدی در مسیر ربا سیر کند یعنی سود در مرحله نخستین با اصل سرمایه ضمیمه شود و مجموعا مورد ربا قرار گیرند، و به همین ترتیب در هر مرحله، سود به اضافه سرمایه، سرمایه جدیدی را تشکیل دهد، و به این ترتیب در مدت کمی از راه تراکم سود مجموع بدهی بدهکار به چندین برابر اصل بدهی افزایش یابد و به کلی از زندگی ساقط گردد.
بطوری که از روایات و تواریخ استفاده می‌شود در زمان جاهلیت معمول بود که اگر بدهکار در رأس مدت نمی‌توانست بدهی خود را بپردازد از طلبکار تقاضا

می‌کرد که مجموع سود و اصل بدهی را به شکل سرمایه‌جدیدی به او قرض بدهد و سود آن را بگیرد! در عصر ما نیز در میان رباخواران این رباخواری بسیار ظالمانه فراوان است.

در پایان آیه می‌فرماید: «اگر می‌خواهید رستگار شوید باید تقوا را پیشه کنید و از این گناه بپرهیزید» (و اتقوا الله لعلکم تفلحون).

در آیه بعد مجدداً روی حکم تقوا را تاءکید کرده، می‌گوید: «و از آتشی بپرهیزید که در انتظار کافران آماده شده است»، (و اتقوا النار التي اعدت للكافرين).

از تعبیر «کافران» استفاده می‌شود که اصولاً رباخواری با روح ایمان سازگار نیست و رباخواران از آتشی که در انتظار کافران است سهمی دارند!

و نیز استفاده می‌شود که آتش دوزخ اصولاً برای کافران آماده شده و گناهکاران و عاصیان به همان مقدار که شباهت و هماهنگی با کافران دارند سهمی از آن خواهند داشت.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۰۹

تهدید آیه سابق با تشویقی که در این آیه برای مطیعان و فرمانبرداران ذکر شده تکمیل می‌گردد و می‌فرماید: «فرمان خدا و پیامبر را اطاعت کنید و رباخواری را ترک گوئید تا مشمول رحمت الهی شوید». (و اطیعوا الله والرسول لعلکم ترحمون).

چگونگی پیوند آیات قرآن

آیات گذشته - چنانکه دانستیم - درباره غزوه «احد» و حوادث مربوط به آن، و درسهای گوناگونی است که مسلمانان از آن حادثه فرا گرفتند، ولی سه آیه‌ای که تفسیر آن گذشت و شش آیه بعد محتوی یک سلسله برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و تربیتی است، و پس از این نه آیه، مجدداً حوادث مربوط به جنگ احد عنوان می‌گردد.

این طرز بیان ممکن است برای بعضی مایه تعجب گردد، ولی با توجه به یک اصل اساسی حقیقت امر روشن می‌شود، و آن اینکه:

قرآن یک کتاب کلاسیک نیست که دارای فصول و ابوابی باشد و نظام تالیفی خاصی در میان ابواب و فصول آن در نظر گرفته شده باشد، بلکه قرآن کتابی است که در مدت بیست و سه سال «نجوماً» (تدریجاً)

طبق نیازمندیهای گوناگون تربیتی در زمانها و اماکن مختلف نازل شده: یک روزداستان احد پیش می‌آمد و برنامه‌های مختلف جنگی در ضمن آیات متعدد اعلام می‌گشت، روز دیگر احساس نیاز به یک مساءله اقتصادی همچون ربایا یک مساءله حقوقی مانند احکام ازدواج، یا یک مساءله تربیتی و اخلاقی مانند توبه، می‌شد و آیات متعددی طبق آن نازل می‌گشت. از این سخن چنین نتیجه گرفته می‌شود که ممکن است در بسیاری از موارد پیوند خاصی در میان آیات قبل و بعد نبوده باشد، و نباید مانند بعضی از مفسران در

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۱۰

این گونه موارد اصراری در یافتن رابطه در میان آنها داشت، نباید خود را به زحمت بیاندازیم و در میان قضایائی که خداوند اتصال و ارتباطی نخواسته با تکلف وجه ارتباطی درست کنیم، زیرا این کار با روح قرآن و چگونگی نزول آن در حوادث مختلف و طبق نیازمندیهای گوناگون در شرایط و ظروف جداگانه، سازش ندارد. البته تمام سوره‌ها و آیات قرآن از یک نظر به هم مربوطند و آن اینکه همگی یک برنامه انسان سازی و تربیتی را در یک سطح عالی تعقیب می‌کنند و برای ساختن یک جامعه آباد، آگاه، امن و امان و پیشرفته از نظر مادی و معنوی نازل شده‌اند. بنابراین اگر آیات نهگانه فوق رابطه خاصی با آیات قبل و بعد ندارد به همین دلیل است.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل